

روز شمار جنبش مشروطه

نویسنده : مسعود مهدوی

مردم سالاری نسخه شماره 1583 - 1386/05

جنبش مشروطه را - همانند بسیاری از رویدادهای تاریخی دیگر - نمی توان به روز 14 مرداد، روز صدور فرمان مشروطه منحصر کرد؛ بلکه برای بررسی آن باید ریشه های وقوع آن را جستجو کرد و پیامد های این حادثه و سرنوشت آن را در تاریخ معاصر ایران مورد بررسی قرار داد. آن چه می خوانید مروری بر حوادث منجر به صدور فرمان مشروطه و پیامدها و نتایج صدور این فرمان است.

8 مارس 1890 اعطای امتیاز توتون و تنباکو به رژی

این امتیاز که شامل انحصار فروش توتون و تنباکو بود، در بازپسین سال های حکومت ناصرالدین شاه به رژی یکی از اتباع کشور انگلیس واگذار گردید. در برابر این امتیاز مقرر شد؛ دولت ایران سالانه پانزده هزار لیره و یک چهارم از سود ویژه از فروش این کالا را دریافت دارد. این امتیاز مانند بسیاری از امتیازات این دوره از تاریخ ایران بدون در نظر گرفتن نفع کشور اعطا شده بود و از این رو با مخالفت عمومی در ایران مواجه شد.

23 آوریل 1892 لغو امتیاز تنباکو

این اقدام به رهبری روحانیون صاحب نام وقت میرزا محمدحسن شیرازی و میرزا محمدحسن آشتیانی به شدت مورد اعتراض مردم به ویژه بازرگانان ایرانی قرار گرفت. فتوای روحانیون در تحریم تنباکو و پشتیبانی مردم از این فتوی در نهایت حکومت وقت را مجبور به لغو امتیاز نمود. این حرکت که به جنبش تنباکو شهرت یافته است، از نخستین تکان های اجتماعی بود که زمینه ساز جنبش مشروطه شد.

اول ماه مه 1896 قتل ناصرالدین شاه در حرم شاه عبدالعظیم

رشد نابسامانی در کشور و به موازات آن رشد نارضایتی به بستر گسترش اندیشه های انقلابی در اواخر حکومت ناصرالدین شاه بدل می گردد. میرزا رضای کرمانی که گفته می شود از مریدان سیدجمالالدین اسدآبادی بود و بارها جزو همراهان سید دیده شده بود، دو ماهی پیش از اقدام به قتل ناصرالدین شاه، با لباس میدل وارد تهران شده و سپس در اتاقی در همان اطراف صحن شاه عبدالعظیم سکنا گزیده بود. ناصرالدین شاه به مناسبت جشن پنجاهمین سالگرد پادشاهی خود قصد زیارت حرم عبدالعظیم را نمود و در هنگام این زیارت میرزا رضای کرمانی ظاهراً به قصد دادن عریضه ای به شاه نزدیک شد و او را هدف گلوله قرار داد.

29 ژانویه 1900 قرارداد اولین قرضه از دولت روسیه

به هنگام صدراعظمی امین السلطان، مظفردالدین شاه به سبب بیماری و عزیمت به اروپا به توصیه پزشکان و برای بهره گیری از آب های معدنی آنجا، نیازمند پول بود. امین الدوله در تقاضای پول از بلژیک ها و انگلیسی ها به موفقیتی دست نیافت. ناگزیر به روس ها روی آورد. روس ها با پیش شرط های سنگینی اعلام آمادگی کردند که مبلغی معادل بیست و دو میلیون و نیم منات در ازای پرداخت 5 درصد بهره و برای مدت هفتاد و پنج سال و همچنین در اختیار گرفتن گمرکات شمال به ایران وام دهند. علاوه بر این دولت ایران از این وام می بایست بابت تاوان لغو قرارداد تنباکو مبلغ 500 هزار لیره به بانک شاهنشاهی پرداخت شود.

21 ماه مه 1901 اعطای امتیاز نفت جنوب به داری

طی امتیازنامه رسمی دولت شاهنشاهی ایران، دوره ناصری اجازه "تفتیش، تفحص و پیدا کردن و استخراج و بسط دادن و حاضر کردن برای تجارت و نقل و فروش محصولات ذیل که عبارت از گاز طبیعی و نفت و قیر و موم باشد، در تمام وسعت ممالک ایران در مدت شصت سال از تاریخ ایران امروز اعطا می نمایند." این قرارداد که بار دیگر در سال 1933، دوره رضاشاهی با تغییراتی به مدت 10 سال تمدید می گردد، زمینه ساز مبارزات وسیع ضداستعماری در ایران به رهبری دکتر مصدق و به ملی شدن صنعت نفت در ایران می انجامد و تأثیرات عمیقی بر سراسر تاریخ ایران برجای می گذارد.

نوامبر 1901 قرارداد بازرگانی و تعرفه گمرکی با روسیه

بر طبق این تعرفه کالاهای وارداتی از روسیه از تعرفه های بسیار نازل تری نسبت به کالاهای وارداتی از سایر کشورها برخوردار شد. غیرعادلانه بودن این امتیاز تحمیلی بیشتر به چشم می خورد هنگامی که بازرگانان ایرانی مجبور به پرداخت گمرکی به مراتب سنگین تر برای صدور کالاهای صادراتی خود به روسیه می شدند. در پی آزردهی انگلیسی ها از این امتیاز و به منظور حفظ تعادل، دولت وقت ایران تنها چند ماه بعد پیمان گمرکی جدیدی با بریتانیای کبیر منعقد می کند.

22 ژانویه 1905 انقلاب روسیه

پس از شکست روسیه از ژاپن در جنگ 1904-1905 و گسترش هرج و مرج داخلی در این کشور نیکلای دوم امپراتور روس ناگزیر از صدور بیانیه ای مبنی بر پذیرش برخی از آزادی های اساسی نظیر؛ آزادی افکار، آزادی بیان، و تشکیل اجتماعات و مصونیت های فردی گردید. این تحولات که در تاریخ کشور روسیه تحت عنوان انقلاب بورژوا دمکراتیک ثبت شد، از انقلابات مشروطه آغاز قرن بیستم بود و تأثیرات فراوانی بر روی شرایط ایران و تندتر شدن حرکت انقلاب مشروطیت در میهنمان گردید.

23 فوریه 1905 (چهارم اسفند 1283) تشکیل جلسه انجمن مخفی درتهران

به نوشته میرزامحمد ناظم الاسلامی کرمانی مولف تاریخ بیداری ایرانیان که به اهتمام زنده یاد علی اکبر سعیدی سیرجانی منتشر شده است، پس از یکی از ملاقات های نگارنده اثر فوق با آیت الله سیدمحمد طباطبائی و شنیدن سخنانی در باره

وضعیت نابسامان کشور، کرمانی در صدد برمی آید با ارسال نامه ای به جمعی از فضلا و دانشمندان، جمع معتبری از آنان را به صورت مخفیانه ایجاد و با بیدار ساختن احساسات وطن پرستانه آنان نسبت به وضعیت کشور و با اشاعه اندیشه های نو، آنها را به مقابله با آن وضع ترغیب نماید. این قصد میرزا محمد ناظم الاسلامی کرمانی با تشکیل انجمن مخفی در تهران به انجام می رسد. طبق گفتار مولف، کتاب ابراهیم بیک که از ادبیات انقلابی آن زمان محسوب می شد، در جلسه نخست این انجمن مخفی قرائت شد و تاثیر بسیار بر اعضای این انجمن داشت.

1905 (1284) تشکیل فرقه ایرانی اجتماعیون عامیون در باکو
ایرانیان مناطق آذربایجان و گیلان در جریان ناآرامی های آغاز قرن بیستم در روسیه و آشوب های تفلیس و بادکو به بودند. حضور گسترده کارگران ایرانی مقیم قفقاز و رفت و آمد میان این دو نقطه موجب آشنائی ایرانیان با اندیشه های سوسیال دمکراسی شد. این آشنائی زمینه تشکیل حزب "همت" شد که مدتی بعد شاخه ای از آن "کمیته سوسیال دمکرات ایران" یا فرقه اجتماعیون و عامیون نام گرفت که در سال 1905 شاخه های خود را در تبریز و سایر شهرهای دیگر پایه گذاری کرد. مارس تا آوریل 1905 (اسفند 1283 تا فروردین 1284) دوران ناآرامی و اعتراض و اعتصابات ضدیت با مسیو نوز اتحاد طباطبائی و بهبهانی

به دنبال گماردن نوز به وزارت پست و تلگراف ناراضی مردم از وی که به خاطر تهیه طرح امتیاز تعرفه گمرکی به نفع روس ها و همچنین بدرفتاری وی با مردم زمینه کافی داشت، گسترش یافت. به طوری که در اواخر زمستان 1283 که مصادف با ایام محرم بود منبرها و مساجد به مراکز بدگویی از این فرد بدل شده بود. در این میان روحانیونی چون سیدعبدالله بهبهانی علیه وی و علیه عین الدوله صدراعظم وقت که به ناراضی مردم اهمیتی نمی داد، فعال شده بودند. سیدعبدالله بهبهانی به دنبال متحدینی از میان علمای صاحب نام در تهران می گشت. از میان روحانیون متعددی که طرف مذاکره سیدبهبهانی بودند، سیدمحمد طباطبائی با وی بیعت کرد.

13 دسامبر 1905 (22 آذر 1284) تحصن حدود دوهزار نفر در حرم شاه عبدالعظیم و درخواست عدالتخانه
روز دوشنبه 11 دسامبر 1905 (1284 شمسی) قیمت قند در تهران و مناطق دیگر ایران گران شد. تا این زمان قند یک من (640 مثقال) یک قران بود در این زمان یک من 7 و 8 قران شد. علت نایابی قند وارداتی به دلیل جنگ روسیه و ژاپن و ناآرامی های روسیه بود. «علا»الدوله حاکم تهران اقدام به سخت گیری با بازرگانان نمود و یکی از آنان یعنی حاجی سیدهاشم از بازرگانان معتبر را به فلک بست. همین امر به ناآرامی ها دامن زد و موجب وقایع مهم و رویدادهائی شد که زمینه ساز انقلاب و صدور فرمان مشروطیت و تشکیل عدالت خانه شد؛ از جمله هم صدائی و اتحاد بازرگانان و روحانیت در اعتراضات گسترده و تعطیل بازار تهران و تحصن گروه بزرگی از تجار همراه با روحانیون مشهور شهر نظیر طباطبائی، بهبهانی، صدرالعلماء، شیخ محمدصادق کاشانی در عبدالعظیم بود. در این تحصن برای نخستین بار خواست تشکیل "عدالتخانه" در سراسر ایران به همراه خواست های دیگر مطرح شد.

1 ژانویه 1905 (22 دی ماه 1284) صدور فرمان شاه برای تاسیس عدالتخانه بازگشت متحصنین
به دنبال اعتراض شدید مردم به رفتن علما از شهر و اطلاع شاه از این اعتراضات به صدراعظم خود عین الدوله امر کرد که: "البته مقاصد آقایان را اجرا دارید و آنها را تا فردا بیاورید به شهر، والا من خودم میروم و آنها را می آورم. عین الدوله با تلفن به متحصنین قول داد که شاه با خواست های آنان موافقت خود را اعلام داشته است و از آنان درخواست نمود که به تحصن خود پایان داده به شهر بازگردند. پس از حدود یک ماه از تحصن روز جمعه 16 ذیقعد را مهاجرین متحصن برای بازگشت انتخاب کردند. به دستور شاه بازگشت مهاجرین به تهران با استقبال رسمی و همچنین شور مردم مواجه شد.

هفتم آوریل 1906 (18 فروردین 1285) انتشار ملانصرالدین در تفلیس
به نوشته یحیی آرین پور در کتاب معروف از صبا تا نیما، تا اوایل قرن بیستم هیچ روزنامه و مجله قابل ذکری در قفقاز منتشر نشده بود اما از 1905 به بعد جراید و مطبوعات مانند ستارگان از پشت ابر سر در آوردند. ملانصرالدین که از سوی جلیل محمد قلی زاده در تفلیس منتشر شد یکی از بنام ترین آنهاست. این نخستین روزنامه فکاهی و طنزی آذربایجان بود. مشهورترین همکار آن میرزا علی اکبرخان صابر است که هوپ هوپ نامه اش معروف خاص و عام است و همان است که گفته می شود نسیم شمال بسیار تحت تاثیر آن قرار داشته است.

ژوئیه 1906 (تیر مرداد 1285) بست نشینی ملیون در قم و باغ سفارت
اما پس از بازگشت متحصنین از عبدالعظیم، عین الدوله در اجرای وعده های شاه مقاومت کرده و روز به روز به فشار و سرکوب مردم می افزود. از سوی دیگر تهییج مردم ادامه داشت و در نهایت به کشته شدن طلبه ای به نام سید عبدالحمید و به دنبال آن گردهمائی و شورش مسجد آدینه و تعطیل بازار، شورش در شهر، تحصن روحانیون در مسجد و پافشاری آنان در خواست عدالتخانه گردید. پس از این که سختگیری علیه متحصنین افزایش یافت رهبران این شورش ها قصد مهاجرت به قم را نمودند. در این مهاجرت شیخ فضل الله نوری نیز در اتحاد با دیگر روحانیون بود. گروهی حدود 1000 نفر به قم رسیده در آنجا منزل کردند.

در این گیر و دارها برای نخستین بار عبارت مشروطه و مشروطه خواهی نیز بر سر زبان ها افتاده بود. از یک سو دلبستگی و نیاز آن روزگار مردم به روحانیون برای رتق و فتق امور و از سوی دیگر نگرانی آنان از شایعاتی که در مورد اقدامات دولت علیه آنان می شنیدند فضای شهر را ملتهب نگه داشته بود. گروهی دیگر از معترضین از جمله تعدادی از بازرگانان که همراه روحانیون بودند، اما شهر را به قصد رفتن به قم ترک نکرده بودند از بیم جان خود و فشارهای حکومتی به باغ سفارت انگلیس رفته و در آنجا بست نشستند و سفارت انگلیس که در آن زمان از مشروطه خواهی مردم حمایت می کرد، به آنها پناه داد.

پنجم اوت 1906 (14 مرداد 1285) تاریخ رسمی صدور فرمان مشروطه (تاریخ واقعی نهم اوت 1906 برابر 18 مرداد 1285)
ابعاد اعتراضات و بیش از آن به تعداد بست نشینان به ویژه در قم روز به روز افزوده می شد. به روایتی مستند به تلگرافی به قم و پاسخی که آیت الله بهبهانی به آن داده بود، این تعداد به 14 هزار تن رسیده بود. به دنبال گسترش ابعاد بحران انگلیسی ها به وساطت برخاستند و در این میان نیز نامه هائی میان روحانیون، شاه و ولیعهد رد و بدل شد. محمدعلی میرزا، ولیعهد، که در آن هنگامه در رقابت و دشمنی با عین الدوله قرار داشت، به دفاع از مهاجرین برخاسته بود. شاه که در این میان در

جریان کامل مآوقع و ابعاد بحران قرار گرفت، در پاسخ به مطالبات مردم و رهبران آنها در روز سیزدهم مرداد 1285 فر مانی را صادر کرد که از آن در تاریخ ایران تحت عنوان فرمان مشروطیت نام می برند. این فرمان روز بعد یعنی در چهاردهم مرداد 1285 یعنی روز مشروطیت انتشار بیرونی داده شد.

9 سپتامبر 1906 (شهریور 1285) صدور اولین قانون انتخابات

پس از صدور فرمان مشروطیت روز شنبه بیست و ششم مرداد در سرای "مدرسه نظام" نشست باشکوهی با حضور همه علما، سران تلاشگران، درباریان و وزیران به منظور گشایش مجلس موقتی تشکیل شد. این مجلس تا مدتی هر هفته دو بار برپا می شد و نظام نامه انتخابات نمایندگان ملت را تدوین کرد. علی رغم مخالفت های خودکامگان به رهبری عین الدوله و ایجاد موانع بسیار، این نظام نامه در هفدهم شهریور به امضای شاه رسید و بر اساس آن نخستین انتخابات نمایندگان شصت گانه تهران آغاز شد.

هفتم اکتبر 1906 (15 مهر ماه 1285) افتتاح مجلس اول در تهران و افتتاح انجمن تبریز

در این میان اخبار تهران هر چند نه به تمام به تبریز که زیر سرکوب و فشار محمدعلی میرزا و کمبود نان بود، می رسید. شایع بود که شاه از امضای نظام نامه انتخابات خودداری می کند. تبریزیان نیز به شیوه تهران در صدد بست نشینی در کنسولگری انگلیس شدند. بازرگانان و روحانیون در این حرکت همراه شده و اختلافات و درگیری هایی که تا آن زمان در این منطقه به نام گروه ها و فرقه های مذهبی متداول بود کنار گذاشته شد. به منظور تامین هزینه های بست نشینی صندوقی به نام "صندوق مصارف انجمن عدالت و مشروطه خواهان اسلام" را تاسیس کردند. انقلابیون تبریز راه چاره در برابر فشارهای محمدعلی میرزا و همچنین پیشرفت امور را از تهران جویا شدند. پاسخ دیر کرد و تحصن آنها به 10 روز کشید. در این فاصله شاه ناگزیر از پاسخ مثبت به خواست تبریزیان که به صراحت مشروطه خواهی بود، گردید.

در این میان بر مبنای نظام نامه انتخابات ابتدا نمایندگان تهران برگزیده و مجلس شورای ملی کار خود را آغاز کرد. این نظام نامه مردم را به شش گروه (طبقه) تقسیم می کرد: شاهزادگان (4 تن) علما (4 تن)، اعیان و بازرگانان (10 تن)، زمین داران و کشاورزان (10 تن)، پیشه وران (32 تن). به این ترتیب بیشترین نمایندگان تهران به طبق بازرگانان و پیشه وران تعلق داشتند.

19 اکتبر 1906 (27 مهر ماه 1285) انتشار روزنامه انجمن تبریز

روزنامه نویسی با استقرار مشروطیت در تهران و همچنین شهرهای بزرگ دیگر کشور از جمله تبریز رونق بیشتری گرفت. تلاشگران مشروطه خواه تبریز که انجمن این شهر را پایه گذاری کرده بودند، نخستین روزنامه تبریز را که در اصل روزنامه انجمن بود و اقدامات آن را منعکس می کرد، تاسیس کردند. ابتدا از آن تحت عنوان "روزنامه ملی" و بعد "روزنامه انجمن" یاد می کردند.

چهارم نوامبر 1906 (13 آبان 1285) کوشش محمدعلی شاه برای بستن انجمن تبریز و مخالفت عمومی

پس از نخستین پیروزی تبریز، محمدعلی میرزا به دنبال فرصتی بود تا انجمن تبریز را که مکان اجتماع آزادی خواهان و مجاهدین بود منحل کند. اما در این امر به دلیل مقاومت شدید مردم موفق نبود. هسته اصلی این انجمن جمعی بود که مخفیانه جریان مقاومت را هدایت می کرد و از آن تحت عنوان "مرکز غیبی" نام می برد و از 12 نفر تشکیل شده بود. محمدعلی میرزا امر نبودن قانون را بهانه ساخت و خواهان انحلال انجمن شد. اما آزادی خواهان در برابر این خواست ایستادند و اعلام کردند که تا آمدن قانون اساسی به حفظ انجمن خواهند کوشید، آنها دست به مقاومت شدید در شهر زدند و حمایت عمومی مردم نیز پشتیبان آنان شد. در روز قیام عمومی در شهر به دفاع از انجمن تبریز مردم شعار "زنده باد مشروطه" و "زنده باد آزادی" را سر دادند. این اعتراضات آن چنان گسترده بود که بالاخره محمدعلی میرزا ناچار به عقب نشینی شد و طی دست خطی موجودیت انجمن را به رسمیت شناخته و فردی را نیز از جانب خود برای اجرای تصمیمات انجمن تعیین کرد.

نوامبر 1906 (23 آبان 1285) ایده ممنوعیت قرضه خارجی و مبارزه برای تاسیس بانک ملی

پس از تشکیل مجلس، حاج مخبرالسلطنه از سوی صدراعظم مشیرالدوله لایحه استقراض مجدد از دول خارجی برای پرداخت هزینه ها و بدهی های دولت را برای تصویب به مجلس آورد. این درخواست همه ای در مجلس در مخالفت و موافقت برپا ساخت. در نهایت حاج امین الضرب ضمن سخنانی در رد این لایحه و نشان دادن ادعاهای بی پایه دولت مبنی بر احتیاج به پول، برای نخستین بار ایده تاسیس بانک ایرانی با سرمایه ملت را مطرح کرد. این ایده به شدت مورد حمایت مردم در کشور و در شهرهایی چون تهران و تبریز روبرو شد. مردم برای جمع آوری سرمایه نخستین آن به ویژه زنان از خود فداکاری های بسیار نشان دادند.

30 دسامبر 1906 (نهم دیماه 1285) توشیح قانون اساسی 8 ژانویه 1907 (18 دیماه 1285) مرگ مظفردالدین شاه

قانون اساسی مشروطه پس از تدوین توسط مجلس برای امضای شاه به دربار فرستاده شد. اما درباریان و دولت در به امضا رساندن و عودت آن تعلل می کردند. در این میان محمدعلی میرزا که به سبب بیماری مظفردالدین شاه در استقبال بزرگی از روحانیون مشروطه خواه وارد تهران شده و بلافاصله نیز جانشین وی شده بود، برای حفظ حمایت دو آیت الله مشروطه خواه بهبهانی و طباطبائی از خود همراهی نشان می داد. وی پسر مشیرالدوله صدراعظم را فرستاد تا نمایندگان بیابند و در مورد بندهائی از قانون اساسی مذاکره شود. مذاکرات بیشتر بر سر مجلس سنا بود که به توافق رسیدند و قانون اساسی مشروطیت در واپسین روزهای زندگی مظفردالدین شاه به تأیید وی رسید.

19 ژانویه 1907 (29 دیماه 1285) به تخت نشستن محمدعلی شاه

در مراسم تاج گذاری وی همه اعیان، علما و سفیران و کنسول ها شرکت داشتند، الا نمایندگان مجلس. یکی دو تنی چون صنیع الدوله و سعدالدوله نیز به عنوان اعیان و نه نماینده ملت در این مراسم حضور داشتند. همین امر بیانگر نظر و احساس واقعی محمدعلی میرزا نسبت به مجلس و نمایندگان مردم بود.

20 ژانویه 1907 (30 دی ماه 1285) تصویب تاسیس مدارس دخترانه و لغو جهیزیه سنگین در قطعنامه اجتماع زنان در تهران

7 فوریه 1907 (18 بهمن 1285) ورود نمایندگان آذربایجان به تهران

12 تن به نمایندگی تبریز برگزیده شدند و بالاخره پس از مدتی تعلل و پس از فشارهایی از سوی تهران، انجمن شهر آنان را

روانه تهران ساخت. البته یکی دو تن از برگزیدگان از جمله تقی زاده مدتی قبل روانه شده بود. طالب اف از روشن فکران صاحب نام مشروطیت نیز در میان انتخاب شدگان بود. اما وی در این زمان از مشروطه خواهی ایرانیان دلزده شده و این انتخاب را نپذیرفت. در روز عزیمت نمایندگان، مردم شهر بازار را بستند و در شور و شوق بسیار نمایندگان خود را با دلی پرامید به آینده روانه پایتخت کشور و مقر مجلس مشروطه کردند.

10 فوریه 1907 (21 بهمن 1285) عزل مسیو نوز به وسیله محمدعلی شاه

یکی از مشکلات اساسی مجلس عدم پاسخگویی دولت و وزرا در برابر نمایندگان مردم بود. همین مشکل در هنگامی که مجلس موضوع استقراض خارجی و ارزیابی از بودجه دولت و کسر بودجه را در دستور کار خود قرار داد، به شدت بروز کرد. از جمله مسیو نوز که یکی از چهره های ضد مردمی بود که رفتار وی یکی از عوامل تشدید بحران و اعتراضات گسترده مردم پیش از استقرار مجلس بود، با وجودی که مسئولیتهای بسیار سنگینی داشت و اختیار بسیاری از امور را که مستقیماً منابع درآمد دولت به حساب می آمدند را در دست داشت، اما هیچ گونه اهمیتی به مجلس نمی داد و حاضر به حضور در برابر نمایندگان ملت نبود. همین امر به طرح یکی از مسائل اساسی یعنی ضرورت مسئولیت و پاسخگویی دولت و اعضای آن در برابر مجلس نمایندگان منجر شد. بخشی از مجلس به شدت روی ضرورت معرفی وزرا به این نهاد پافشاری می کردند. اما صدراعظم و البته به پشتیبانی شاه از این امر به ویژه معرفی نوز به مجلس خودداری می نمودند. در این میان پافشاری از سوی نمایندگان آذربایجان و به خصوص تقی زاده بیشتر بود. اخبار مقاومت و کارشکنی های محمدعلی میرزا و صدراعظم به تبریز رسید و مردم این شهر را به اعتراض و جوش و خروش دوباره و فشار بر تهران کشاند. آنها 7 درخواست طرح کردند که از جمله اخراج نوز، ممنوع شدن به کارگماری وزیر خارجی و اطلاع مجلس از تعداد وزرا و مسوولیت های آنان بود. پس از مذاکرات پراکنده میان دولت و نمایندگان مردم، به همراه فشار لاینقطع از تبریز، محمدعلی میرزا به خواست مردم تن داد و نوز بالاخره از کار برکنار شد.

مارس آوریل 1907 (فروردین 1286) الغای تیول و تصویب اصلاحات مالیاتی

مجلس اول در اقدامات مالی خود چندین مصوبه بنیادین داشت: 1) نسخ قاعده تسعیر، قیمت گذاری برای دریافت مالیات املاک در بخش کشاورزی 2) نسخ قاعده تیول داری که بر عمو می بودن اراضی کشور تکیه داشت. 3) قطع قسمتی از مستمریات کارگزاران و دیوانیان و حقوق بگیران دولت 4) اقدام به جمع تفاوت عمل با اصل مالیات که با تدوین آنها در کتابچه جمع، دست حکام ولایات را از دریافت مبالغ اضافی به نام مالیات کو تاه می کرد. بدین ترتیب به گفته لمتون این اقدامات مجلس موجب انحلال روش قدیم زمین داری شد که از ویژگی های قاجار بود.

26 آوریل 1907 (ششم اردیبهشت 1286) بازگشت امین السلطان

محمدعلی میرزا که از جلوگیری کار مجلس و همچنین تسلط بر اوضاع آشفته کشور وامانده بود، خواهان بازگشت میرزا علی اصغرخان اتابک (امین السلطان) شد. این امر با مقاومت شدید برخی از نمایندگان در تهران و مجاهدین در سرحدات شمالی ایران و در تبریز مواجه شد. اما از آنجائی که مجلس خود بر اوضاع و آشوب های کشور تسلطی نداشت و از سوی دیگر امین السلطان خود را پشتیبان از کرده های سابق خود نشان می داد، توانست رای مجلس را برای بازگشت خود به تهران جلب کند. وی پس از بازگشت به یاری محمدعلی میرزا به عنوان وزیر داخله و سروریز مجدداً سررشته امور را به دست گرفت. اما در ادامه کار پشتیبانی محمدعلی میرزا را از دست می دهد و بالاخره در اثر ترور کشته می شود.

27 آوریل 1907 (هفتم اردیبهشت 1286) اعتصاب عمومی در تبریز علیه شیخ فضل الله و پیشنهاد او برای تجدید نظر در متمم قانون اساسی

متعاقب ایراد تبریز به کم و کاستی های قانون اساسی، تدوین متمم آن در دستور کار قرار گرفت. این طرح تهیه شد. اما از سوی دیگر مدتی بود که دیگر یک دستی در میان روحانیون در باره مشروطه و مطالبات فزاینده آزادی خواهان مانند تاسیس و گسترش مدارس دخترانه، وجود نداشت. در این میان شیخ فضل الله ابراز نارضایتی از مشروطه خواهان نموده و مطالبه مشروطه مشروعه و پیروی از احکام شرع می کرد. این مخالفت ها کار انتشار متمم قانون اساسی را به تعویق انداخت. آزادی خواهان تبریز در انتشار این قوانین پافشار بودند. در این میان اتابک که از اختلاف و دودستگی روحانیون مطلع شده بود، به دامن زدن به بحران مشغول شد. در تبریز در مخالفت با پیروان شیخ فضل الله نوری در شهر و در محل انجمن، برخی دست به اعتراض زدند. اعتراضات تبریز به دیرکرد انتشار متمم قانون اساسی به تعطیل بازار و گردآمدن همه روزه مردم در اداره پست برای ارسال تلگراف به تهران و پرسش از علت این دیرکرد، انجامید. مخالفت های اصلی بر سر اصول هشتم، نوزدهم و بیستم این متمم بود. علاوه بر این شیخ فضل الله اصلی را در نظر گرفته مبنی بر این که هیچ قانونی نباید مخالف احکام شرعی بوده و تشخیص آن نیز برعهده علما است. بنابر این می بایست هیاتی از علما برای تعیین مطابقت قوانین موضوعه با احکام اسلام تشکیل می شد و این وظیفه را برعهده می گرفت. البته در آن زمان سیدحسن تقی زاده یکی از نمایندگان تبریز از تصویب این اصل در مجلس جلوگیری به عمل آورد.

29 آوریل 1907 (نهم اردیبهشت 1286) انتشار روزنامه حبل المتین درتهران

حبل المتین نام دو نشریه است که یکی از آنها در تهران و دیگری در کلکته منتشر می شد. حبل المتین تهران سیدحسن کاشانی می نوشت که برادر کوچکتر موبدالاسلام بود که حبل المتین کلکته را منتشر می کرد. حبل المتین تهران در 15 ربیع الاول 1325 منتشر شد و در واقع شعبه ای از حبل المتین کلکته بود. این روزنامه که همه روزه در تهران به چاپ می رسید و تیراژ قابل توجهی داشت، تا زمان به توپ بستن مجلس انتشار می یافت. پس از فتح تهران نیز دوباره منتشر شد ولی باز هم دیر نپایید.

30 آوریل 1907 (9 خرداد 1286) انتشار روزنامه سوسیالیستی صوراسرافیل

نامه هفتگی صوراسرافیل 9 ماه پس از استقرار مشروطه در تهران منتشر شد. این روزنامه با سرمایه میرزا قاسم خان تبریزی و کوشش میرزا جهانگیرخان شیرازی و همکاری موثر میرزا علی اکبر خان دهخدا منتشر شد. دهخدا در واقع سر دبیر آن بود. میرزا جهانگیرخان در کودتای محمدعلی شاه در استبداد صغیر در باغ شاه کشته شد. میرزا علی اکبرخان دهخدا به غرب پناهنده شد و بعدها از سیاست دست کشید و به نوشتن لغت نامه پرداخت.

21 ژوئن 1907 (31 تیر 1286) بست نشینی نوری در شاه عبدالعظیم

علی رغم توافق هائی که بر سر مطابقت قوانین با احکام اسلامی و نظارت فقها بر مصوبات مجلس میان روحانیون مشروطه خواه و شیخ فضل الله صورت گرفته بود، اما مخالفت های وی با اصول بنیادین مشروطه خواهی از جمله آزادی های اجتماعی مداوم داشت. جدال با مشروطه خواهی و شریعت خواهی شیخ فضل الله وی را به دربار نزدیکتر کرد. در برابر تبلیغات منفی و بدگویی های وی و تحریک علیه مشروطه، مشروطه خواهان به مقابله برخاستند و چون شیخ و یارانش عرصه را بر خود تنگ دیدند، به عبدالعظیم کوچ کرده و در آنجا بست نشستند. شیخ فضل الله از عبدالعظیم مکتوباتی به تهران و شهرهای دیگر و همچنین نجف، روانه می کرد از این مکتوبات تحت عنوان "لوايح" شیخ فضل الله نام برده می شود که در اساس روشنگر دیدگاه های وی در مخالفت با مشروطه بوده است.

31 اوت 1907 (9 شهریور 1286) امضای قرارداد 1907 روس و انگلیس در سنت پترزبورگ

در این زمان در حالی که مرزهای غربی ایران در ناتوانی کامل دولت مشروطه مورد دست اندازی و یورش و غارت و کشتار عثمانیان قرار داشت، دو دولت رقیب روسیه و انگلیس نیز از همین ضعف و ناتوانی ایران بهره برده و تقسیم ایران و دست اندازی به یک پارچگی و تمامیت ارضی کشور را در عمل در دستور کار خود قرار دادند. پیرو رقابت های بین المللی مابین کشورهای استعمارگر اروپائی اتحادی میان دو کشور روسیه و انگلیس در برابر کشور جوان و تازه به میدان آمده آلمان ضروری بود. قرار داد 1907 در اصل توافقی الزامی میان این دو ابر قدرت در مورد ایران و برفراز سر دولت ایران بود. مطابق این قرارداد کشور به سه منطقه نفوذ روس، انگلیس و حیطه دولت مرکزی ایران در ناحیه میانه تقسیم شده بود.

هفت اکتبر 1907 (15 مهرماه 1286) تصویب رسمی متمم قانون اساسی

پس از گذشت ماه ها کشاکش بالاخره تهیه متن متمم قانون اساسی خاتمه یافت. در این میان در فضای ترسی که با قتل امین السلطان برای درباریان حاصل شده بود و در سایه درایت احتشام السلطنه و برخی دیگر از نمایندگان مجلس، طی نامه های شاه و کلیه درباریان و اعضای دولت به همکاری با مشروطه فراخوانده شدند. شاه در پاسخ وفاداری خود را اعلام داشت و اذن اعلام وفاداری وزرا را نیز صادر کرد. پس از آن طی مراسمی در مجلس (درست پس از گذشت یک سال قمری از صدور فرمان مشروطیت) و با حضور جمعیتی حدود 500 تن سران کشور به وفاداری به مشروطیت سوگند یاد کردند. پس از این مقدمات، در روز پانزدهم مهرماه 1286 از طرف مجلس شورای ملی تلگرافی به سراسر ایران ارسال شد و خبر تصویب متمم قانون اساسی و تأیید آن توسط محمدعلی شاه را اعلام کرد.

12 نوامبر 1907 (19 آبان 1286) حضور شاه در مجلس و سوگند خوردن او برای حفظ قانون اساسی

یکی از اقدامات مهم مجلس در این روزها بررسی درآمد و بودجه کشور و تعیین و کاهش بودجه دربار و مستمری شاه و ولیعهد بود. البته محمدعلی میرزا در این زمینه چیزی نگفت اما از پرداخت دستمزد خدمه خود خودداری کرد. با وجود این فضای قتل اثابک، جای زیادی برای مخالفت با مجلس نگذاشته بود و در مجموع روحیه همراهی با مشروطه خواهان حاکم بود. شاه برای خشنودی نمایندگان مجلس قول داده بود که در روز 19 آبان در مجلس حاضر شده و سوگند وفاداری به مشروطه یاد کند. در این روز محمدعلی شاه سوار بر کالسکه روباز خود و عبور از میان صف مردم که ابراز احساسات می کردند در مجلس حاضر شد و سوگند یاد کرد که "تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده... قانون اساسی و مشروطیت ایران را نگهبان و بر طبق آن قوانین مقرر سلطنت کند".

15 دسامبر 1907 (24 آذر 1286) کودتای نافرمان محمدعلی شاه با حمایت نوری

محمدعلیشاه که مخالفت خود را نسبت به مجلس و اقدامات مشروطه خواهان هرگز فراموش نکرده بود، تعدادی از نمایندگان مجلس را به حضور خواست تا عدم رضایت خود را از (1) عملکرد مجلس مبنی بر دخالت در امور دولت و (2) تعداد و رفتار بی رویه انجمن ها را به اطلاع آنان برساند. نمایندگان مجلس پس از مشورت نامه ای به دربار فرستاده و از خود دفاع کردند. اما در همین هنگام در پایتخت حوادثی به چشم می خورد که مجلسیان چندان توجه ای به آنها نداشتند. به عنوان نمونه درخواست هفتصد سواره از آذربایجان توسط امیربهداد، که محمدعلی میرزا وی را به تازگی در منصب "کشیک چی باشی" قرارداد داده بود، بدون اطلاع وزیر جنگ یا نیروهای طرفدار دربار هرچا که می توانستند آشوب و فتنه به پا می داشتند. روز یکشنبه سوم آذرماه بود که به هنگام صبح جماعتی تحریک شده در مقابل مدرسه سپهسالار محل تجمع انجمن ها گرد آمده و به توهین و دشنام به مجلس و مشروطه و ایجاد آشوب پرداختند. بعد فوجی از سپاهیان امیربهداد در میدان توپخانه گرد آمده و به برپا کردن خیمه و چادر و آشپزخانه پرداختند. در این میان تعدادی از روحانیون ضد مشروطه نیز به این جمع پیوستند. این اخبار وقتی پخش شد، طرفداران مجلس و مشروطه خواهان و همچنین اعضای انجمن ها نیز گرد آمدند. روز به همین روال به پایان رسید و تمام شب را گروهی از آزادی خواهان در بهارستان مانده و به مراقبت از مجلس پرداختند. روز بعد نیز جمعیت وسیعی به دفاع از مجلس در میدان بهارستان تجمع کرد. نمایندگان مجلس شش تن را به نزد شاه فرستادند. آن شش تن با این پیام شاه بازگشت که چنانچه انجمن ها پراکنده شوند او نیز نیروهای خود را پراکنده خواهد کرد. در این میان مخالفان مشروطه به در خانه چند تن از روحانیون ضد مشروطه از جمله شیخ فضل الله نوری رفته و آنان را به محل تجمع و جدال آوردند. کار به درگیری کشید و خونهایی نیز ریخته شد. اخبار تهران به شهرهای دیگر کشور رسید و آزادی خواهان به جوش و خروش شدند. از سوی دیگر گفته می شود که یک نیروی چند هزار نفره مسلح از انجمن عبدالعظیم به یاری مجلس آمد. این اتفاقات شاه را ترساند و وی را وادار به اشتهی کرد. در این میان همدستی چند تن از روحانیون و محمدعلی میرزا کاملاً آشکار شد.

فوریه 1908 (بهمن 1286) سو «قصه به جان شاه

تا مدتی بعد از کودتای نافرمان علیه مجلس، محمدعلی میرزا از خود در برابر خانه و نمایندگان ملت نرمی و ملاپمت نشان می داد. حتی در این میان که مجلس موفق به تصویب قانون انطباعات شده بود رضایت خود را از نمایندگان طی نامه ها پی اعلام داشت. اما حادثه ترور شاه در روز هشتم اسفند مجدداً همه اوضاع را دگرگون ساخت. شاه در این روز به قصد عزیمت به دوشان تپه با همراهان و خدمه خود به راه افتاد. اما در بین راه دو نارنجک به سمت کاروان وی پرتاب شد که به شاه آسیب نرسید، اما چند تن کشته و زخمی شدند. شاه ابتدا در برابر مجلس به خاطر این حادثه عکس العملی نشان نداد. اما بعد از

این که تفتیش ها و جستجوها ثمر نداد، از این امر به خشم آمد و شروع به بدرفتاری با مجلس کرد. البته بعدها در تاریخ ها گفته شد که این امر توسط "حیدر عمواغلی" از فرستادگان "کمیته باکو" انجام گرفته است.

23 ژوئن 1908 کودتای محمدعلی شاه و به توپ بستن مجلس (23 جمادی الاولی 1326 قمری)

سال 1286 نیز با افت و خیزها و ماجراهای بسیار در نخستین سال تجربه مجلس ملی به پایان رسید و سال 1287 هرچند در آرامش آغازشد، اما در ادامه خود به ناکامی و توقف یک ساله کار مجلس کشید. نخستین ناکامی کناره گیری برخی از نمایندگان مجلس از جمله رئیس دانا و توانمند آن احتشام السلطنه بود که به اتهام نرم خوئی در برا بر محمدعلی میرزا دل زده شده و کناره گرفت. در دستگیری کسانی که متهم به پرت کردن نارنجک به کاروان محمدعلی میرزا بودند، ماموران رعایت قانون را نکرده این موجب جوش و خروش و اعتراضات در شهر و در مجلس و همچنین اینبار در کابینه شد. شاه نیز در نهایت مجبور به عقب نشینی شد. اما دامن زدن به کارشکنی ها و به ویژه تحریکات در شهرها و مکان های مختلف ادامه داشت، به طوری که امنیت از همه جا رخت بر بسته بود. شاه نیز که در این میان هم موقعیت و هم جان خود را در خطر می دید، با مشاورت و همراهی روس ها در صدد ضربه نهائی به مجلس بود. از دهه دوم خرداد محمدعلی میرزا به طور منظم با سفارت روسیه و لیاخوف روسی فرمانده بریگاد قزاق در ارتباط بود. روز چهاردهم خرداد سربازان سیلاخوری به خیابان های تهران ریخته و آشوبی ساختگی ایجاد کردند. به بهانه ایجاد نظم سربازان قزاق در خیابان های شهر مستقر شده و به خلع سلاح مردم پرداختند. شاه نیز در این روزها به باغ شاه عزیمت کرد تا با آسودگی لشکر خود را برای تاختن به مجلس بیاراید. آزادی خواهان و طرفداران انجمن ها با احساس خطری که داشتند در اطراف مجلس تجمع وسیعی ایجاد کردند. اما بهبهانی، طباطبائی و تقی زاده و چند تن از دیگر نمایندگان در برابر التیما توم قزاق از مردم خواستند تا متفرق شوند. این امر موجب ناامیدی و سردی مردم شد. برخلاف این که تصور می شد شاه با متفرق شدن مردم نرم خواهد شد، اما وی خواهان دستگیری و اخراج 8 تن از آزادی خواهان از ایران گردید؛ از آن جمله میرزا جهانگیرخان مدیر روزنامه صوراسرافیل و محمدرضای شیرازی مدیر مساوات و ملک المتکلمین. در این میان اخبار به شهرهای دیگر از جمله تبریز رسید و اعتراضات به محمدعلی شاه و بیزاری از وی سراسری شد. در این میان نیز "کمیسیون رفع اختلافی" تشکیل شد و ظاهراً مذاکرات با مجلسیان آغاز گردید. محمدعلی میرزا در عین حال در گردآوری نیروی مسلح و انتقال توپها از میدان توپخانه به باغ شاه بود. اما مجلس در برابر این گونه اقدامات حساسیتی نشان نمی داد و در میانه شان دو دستگی بوجود آمد. تعدادی چون بهبهانی خواهان "ایستادگی مظلومانه" بودند و دیگرانی چون تقی زاده و حاج میرزا ابراهیم آقا خواهان جنگ. افرادی نظیر ممتازالدوله، رئیس وقت مجلس، مشغول نرم خوئی با محمدعلی میرزاشاه در پاسخ روحانیون نجف که مردم را ترغیب به حفظ مشروطه می کردند، ابراز اطمینان کرد که طرفدار مشروطه است. اما عده ای را از سوی خود در شهرها به ویژه تبریز مامور کرد که تبلیغ کنند که این مشروطه بی دینی و مشروطه خواهان بی دینند. روز دوشنبه یکم تیر نیز تلگرافی به سراسر شهرهای ایران ارسال کرد که "این مجلس برخلاف مشروطیت است. هر کس منبعی از فرمایشات ما تجاوز کند مورد تنبیه سخت خواهد بود." و روز بعد یعنی دوم تیر روزی بود که سربازان و نیروی قزاق گرداگرد مجلس و مسجد سپهسالار محل تجمع انجمن های تهران را محاصره کردند و از رفت و آمد نمایندگان جلوگیری به عمل آوردند. در هر صورت تعدادی از نمایندگان و دو سید طباطبائی و بهبهانی در مجلس حضور داشتند و سعی می کردند از جنگ و خونریزی جلوگیری به عمل آورند. در این میان سیدجمال الدین افجه ای که با چند صد تنی روانه مجلس شده بود در نزدیکی مجلس با مانع قزاق ها روبرو شده و چون پافشاری کرد یکی از قزاقان مبادرت به شلیک هوائی شد و این به منزله آغاز جنگ بود. از سوی آزادی خواهان مسلح نیز تیراندازی شد. لیاخوف فرمانده قزاقان دستور داد از هرسو با توپ ها به ساختمان مجلس شلیک کنند. پس از ساعتی جنگ، بسیاری از افراد درون مجلس از جمله دو سید متواری شده و به پارک امین الدوله پناه بردند. اما متواریان توسط قزاق ها دستگیر شده آزار بسیار دیده و به باغ شاه منتقل می شوند. از میان مشروطه خواهان دستگیر شده ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان را در باغ شاه به دار آویختند. بدین ترتیب مرحله نخستین مشروطیت و مجلس با استقرار استبداد صغیر خاتمه و تا تیر 1288 یعنی فتح تهران به دست مجاهدین و آزادی خواهان تبریز و دیگر شهرهای ایران و خلع محمدعلی میرزا از سلطنت ادامه یافت.

منابع:

ویژه نامه یک صدمین سالگرد مشروطیت نشریه تلاش

تاریخ مشروطه ایران - احمد کسروی

تاریخ بیداری ایرانیان - ناظم الاسلام کرمانی

مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجار- منصوره اتحادیه (نظام مافی)

تشیع و مشروطیت - عبدالهادی حائری

مجلس اول و نهادهای مشروطیت - علی اصغر حقدار

کارنامه و زمانه میرزا رضای کرمانی - هما ناطق

کتاب سیاه- حسین مکی